

نگارش به مثابه سلوک

عیسای خود . جلسه ۵۹

رضا رحیمی فرد . ۲۹ فروردین ۹۶

توجه خودتون رو حفظ کنید. نفسهاتون آرام و شمرده، در تنفس خودتون تمرکز کنید. هر نفسی که می کشید و هر دمی که به درون شما می رود شما را از همه عالم جدا می کند . شما تنهای تنهاییید. و وقتی نفس را بیرون میدهید از همه چیز فارق می شوید حتی از این تنهایی. حالا هیچی در درون شما نیست . یک درون ساکت و آرام. سکوت محض چشم که باز می کنید خودتان را در میان انبوه جمعیتی می بینید که برسر شما فریاد می زنند و به شما ناسزا می گویند. شما مریم هستید. انگشت اتهامشان را به سمت شما گرفته اند و با سرو صدای زیاد می خواهند که شما مجازات بشوید.

شمانسبت به جایگاه و منزلت خودتان کاملا آگاه هستید. اما در درون شما هیچ نشانی از این اعتبار وجود ندارد. شما از این اعتبار هم فارق شده اید. این سرو صدا و این هجومی که به سمت شما می آید هیچ اضطراب و تشویشی در شما بوجود نمی آورد. شما همچنان در درون خودتان ساکت و آرام هستید. شما تسلیمید.

رفته رفته ، این سکوت به بیرون شما هم تسری پیدا می کند و هیچ صدایی به گوش شما نمی رسد . فقط چهره های غضبناک و خشمگین را می بینید که بر سر شما بیصدا فریاد یم زنند. شما از این وضعیت راضی هم هستید. یک رضایت باطنی در درون خودتان احساس می کنید و این باعث قوت قلب شماست. یک اعتماد و تکیه ای به وجود بی نهایتی دارید که کار شما را به اینجا کشانده است. در میان جمعیت که چشم می چرخانید درخشش نوری توجه شما را جلب می کند . در آن سکوت و در آن سکون و آرامش صدای دلنشینی این سکوت را می شکند. وقتی سکوت شکسته شد متوجه می شوید که دیگر سروصدایی نیست. همه ساکت هستند. آن وجود درخشان و نورانی همه را ساکت کرده است. با عباراتی که در زبان بیگانه گویی بر آتش این موقعیت آبی ریخته و خاموشش کرده . آن وجود نورانی عیسی شماست. عیسی که شما مادرش هستید.

با تمام وجود به سخنانش گوش می دهید. و این آرامش شما را مضاعف و صدچندان می کند. به او افتخار میکنید عیسی خودتان را بشنوید. و نسبت او را با خودتان بسنجید و تا جایی که می توانید سعی کنید روایتش کنید.

هر موقع آماده بودید این روایت را به نگارش در بیاورید.